

# هلمشهری

مهمشهری: [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)  
سایت روزنامه: [newspaper.hamshahrionline.ir](http://newspaper.hamshahrionline.ir)

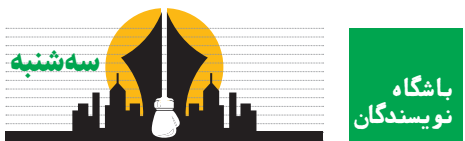
چاپ: ماهی شهری  
تلفن: ۰۲۸-۷۵۰۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچ، شماره ۱۴  
کدپستی: ۴۵۵۵۶-۱۹۶۶۶ - تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵۵۴۴  
تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

حضرت امیر المؤمنین علی؛ گنگ بودن بهتر از دروغ گفتن است.

آذان ظهر: ۱۳:۰۲ - غروب آفتاب: ۲۰:۱۴  
آذان مغرب: ۲۰:۳۵ - نیمه‌شب شمسی: ۰۰:۰۰  
آذان صبح: ۴:۰۶ - طلوع آفتاب: ۵:۵۰

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: عبدالعزیز گنجی  
سرمدیر: دانیال معمار



صفحه آخر  
مرا چشم‌پوشی خون افشان ز دست آن کمان‌ابرو جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو حافظ

سازمان آگهی‌ها و بازاریابی: میان‌شماره: ۸۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۱۷۰۰ - تلفن: ۰۲۸-۷۵۰۰۰۰۰

توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروزین - تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

## خبرنگار جنگی به تمام معنا



خبر قرار یافتن مریم کاظم‌زاده میان شهیدان، همسر شهیدش اصغر و صالی و گروه دستمال سرخ‌ها، من را بر آن داشت تا در رئای آن بی‌قرار انقلابی و ولایت‌مدار، اندکی از احوالات او را بیان کنم. دهه ۷۰، حلقه نقد ادبیات اینتر بنیاد جانباران، در جمع خواهران و برادران، میزبان اثر «خبرنگار جنگی» به روایت سر کار خانم مریم کاظم‌زاده شدیم.

مریم کاظم‌زاده را پیش از این نامش را در بین گروه انگشت‌شمار خواهران امدادگر و پزشک در بیمارستان ولیعصر (عج) یادگان ابوذر سر بل‌ذهاب و البته و بعنوان خبرنگار از شیردلی و شجاعتش برای حضور در خط مقدم و قرار گاه جنگی شنیده بودم. در تماسی که برای دعوتش در جلسه با او گرفتم فهمیدم ایشان خواهرزاده ایت‌الله حائری شیرازی است و سال ۵۵هـ اصرار خانواده برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و در کنار درس و کلاس‌های آموزشی، عکاسی هم آموخت. آشنایی او با خانم مرضیه حدیدچی (دیباغ) شرایطی را فراهم کرد تا در مبارزه سیاسی مصمم‌تر شود. حتی شرایط دیدار با امام خمینی (ره) در فرانسه نیز برایش فراهم شد و در آن دیدار از امام (ره) پرسیده بود: یک دختر مسلمان می‌تواند خبرنگار شود؟ که امام در پاسخ گفته بودند: «اصل رشته اشکال ندارد، مگر اینکه حجاب رعایت نشود». این پاسخ یعنی انتخاب راه می‌گفت: «فتی‌ای از خود امام (ره) عکس می‌گرفتم، احساس کردم این رسالت من است. به انگلیس که برگشتم، آرام و قرار نداشتم، سرگشته آن دیدار و آن معنویت و آن روحانیت شده بودم.»

مریم کاظم‌زاده با خبرنگار جنگی، «عکاسان جنگ»، «تا شهادت» و دلنویس‌ها و عکاسی‌هایی که از خود به یادگار گذاشته است، ثابت کرد که پرچم شخصیت و آرمان‌های وی برای پیمودن افق‌های روشن بیشتر و همواره در اهتزاز خواهد ماند.

ابعد شخصیتی و وجودی بانویی چون مریم کاظم‌زاده بعنوان معلم، انقلابی، خبرنگار و مادر خانواده از قلمی چون من قابل توصیف نیست. زیباتر آن دیدم پرده‌ای از شخصیت او را از آنچه خودش بیان کرد، با شما به اشتراک بگذارم.

در درمناگاه سربل‌ذهاب یک اتاق داشتم. یک اتاق دراز و تاریک کنار سالن درمناگاه غیر از دری که حالتش یک پتو بود، هیچ‌چیز دیگری به بیرون نداشت. تنها منبع نور اتاق یک میزهای بود که با زئنون برق روشن می‌شد. شب‌ها اگر کسی می‌خواست شب‌زنده‌داری کند باید برای خودش فانوس می‌آورد. در صحبت‌هایمان «خوابگاه خواهران» می‌خواندیمش اما فقط خوابگاه نبود. پناهگاه گذشته‌ها مان و امیدگاه آینده‌مان بود. در آن اتاق، دختران دانشجوی می‌شدیم و بحث می‌کردیم. زنان عاشق می‌شدیم و از در دهامین حرف می‌زدیم. مادرهای دلسوز می‌شدیم و همدیگر را دل‌لاری می‌دادیم. عکس شهیدهایمان را در سفره می‌گذاشتیم بدون اینکه از قفاوتی بترسیم. فمگ و نارنجک را چون بخشی از وجودمان پذیرفته بودیم. می‌فکد و امید فرای صلح، شعر می‌خواندیم. بیرون آن اتاق تاریک، به جنگ با واقعیت می‌رقتم و شب‌ها به پناهگاه باورهایمان بازمی‌شتم. هفت سین مان همان سفره غذایمان بود. جایی نبود که سفره ثابت بین کنیم و بگذاریمش و برویم. هر شب غذایمان از سر ذوق چیزهایی به سفره اضافه می‌کردیم. نزدیک عید که می‌شد، سبزه سبزی می‌کردیم. شیرینی‌های مان هم همیشه خرما بود. گاهی هم که از کک‌های پشت جبهه نان برنجی بهمان می‌رسید، سفره‌مان رنگی‌تر می‌شد. پای ثابت سفره‌هایمان پوست‌های شهدا بود. هر هفته مهمان سفره‌هایمان تازه می‌شد. هر شب بعد از غذا فال حافظ می‌گرفتم. نمی‌دانم چرا امام‌همه‌مان از مصمم قلب اعتقاد داشتیم حافظ خوبان را می‌دهد.

امروز به یاد آن سفره و آن جمع و آن نوروز‌ها دیوان گوشت: شراب تلخ می‌خواهم که در مافکن بود زوروش / که تا یکدم بیاسایم دنیا و شر و شورش

## شرح بی سرانجامی



چند روز دیگر با سراسر آمدن دوره امتحانات خرداد، تابستان دانش‌آموزان آغاز می‌شود. دوره فراغت کسودکان و نوجوانان در زمانه ما موسوم بر نامه‌های متنوع و متفاوتی است که شامل انواع آموزش‌ها می‌شود: از دوره‌های رزمی و ورزشی گرفته تا کلاس‌های مهارت‌آموزی و آموزش زبان و تعمیر وسایل الکترونیکی و آموزش حرفه‌های گوناگون.

بسیار است که اگر این آموزش‌ها منجر به کسب مهارت از سوی دانش‌آموزان شود، ارزش بسیار زیادی خواهند داشت. تصور اینکه در پایان تابستان همه جبهه‌هایی که در این مدت آموزش مورد علاقه خود را کسب کرده‌اند، استاد فن شوند، قند در دل آدم آب می‌کند. اما در دنیا که چنین نیست. حتی بسیاری از خانواده‌ها، سرخورده از تجربه‌های قبلی‌شان نتیجه این دوره‌ها، آشنایی کلی فرزندان‌شان با رشته مورد نظر باشد. یا این آمیزش‌هایی که در آینده با پیگیری دوره‌ها کسب مهارت‌های بیشتر این آموزش‌ها را کامل کنند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد آن است که از ابتدای کار یعنی مراحل ثبت‌نام، روندی جدی و فراقریبر برای استعدادسنجی و ارائه اطلاعات لازم در باره رشته‌های مختلف آموزشی به هنر جویمان مشاهده نمی‌شود. امری که اگر عملی شود در جذب استعدادها و ایجاد علاقه لازم برای آموزش‌ها بسیار مفید خواهد بود. همچنین در جریان کار یعنی طی روند آموزش، ارزیابی و نظارتی وجود ندارد و پیداست که هدف برای ارائه‌دهنده و دریافت‌کننده خدمات آموزشی صرفاً پر کردن و گذران وقت است؛ طوری که خانواده‌ها بتوانند در جواب «نور چشمی چه می‌کند؟» دوست و آشنا اسم دهان‌پرکن آموزشی را به زبان بیاورند.

واقعیت این است که بسیاری از ما وقتی صحبت از اسراف می‌شود، صادقانه آملاددمستی آن را به یاد می‌آوریم. غافل از اینکه اتلاف وقت دانش‌آموزان در بهترین دوره سنی آن هم به مدت تقریبی ۱۰۰ روز یکی از روشن‌ترین نمونه‌های اسراف و اتلاف سرمایه است. ای کاش امسال و سال‌های آینده در همین اول کار یعنی آغاز ایام فراغت، تدابیری اندیشیده‌و تصمیماتی اتخاذ شود تا مهم‌تر از نگاه‌ها انگیزه بالایی برای ارائه مشاوره و خدمات لازم در این زمینه داشته باشند و هم دانش‌آموزان با عزمی جدی و روحیه‌ای مصمم سراغ آموزش‌های غیردرسی در طول تابستان بروند؛ آموزش‌هایی که می‌تواند مکمل درس‌های مدرسه باشد و در آینده و در انقباسی کسب مهارت‌های شغلی به مدنشان بیاید بلکه از این رهگذر پایان تابستان نقل آموزش‌ها کسب مهارت‌ها، شرح بی‌سرانجامی نباشد.



## زیرسیگاری گل قرمز در مبلمان شهری

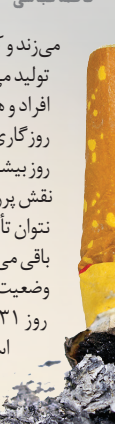
هدایت کنند. بیه این وسیله مسافراهی غیرسیگاری دیگر لازم نیست چشم و ابرو نازک بکند و دست خود را جلوی دهان و بینی‌شان بگیرند. شهرداری پاریس به این بسنده نکرده و با توجه به انبوه ته‌سیگارهایی که سال‌ها طول می‌کشد تا در طبیعت تجزیه شوند از آنها به‌طور مستقیم برای ساخت مبلمان شهری استفاده می‌کند. برای نمونه، مسولان شهری شهر روی‌لمیزون Rueil-Malmaison در فرانسه با جمع‌آوری میلیون‌ها ته‌سیگاری که شهروندان در سطل‌زباله‌های مخصوص انداخته بودند با همکاری یک شرکت محلی نیمکت‌های زیبایی ساختند که اکنون به‌عنوان زیرسیگاری برای گل‌خیزان (نماد روز بدون دخانیات) این شهر شناخته می‌شوند. نمادی زیبا، خالی از کمالگرایی افراطی و واقع‌گرایانه از روز بدون دخانیات.

واقع‌گرا) تقسیم می‌شوند. کمالگرها می‌خواهند هر چه سیگار است خاموش کنند و واقع‌گراها قصد دارند از مضرات مصرف سیگار و شمار آنها بکاهند. برای نمونه شهرداری پاریس که به وضوح در جرگه گروه دوم یا همسان واقع‌گراها قرار دارد وظیفه فرهنگ‌سازی برای کاهش مضرات مصرف سیگار را این بار به مسئولان بهداشتی کشور سپرده و خود یک‌راست سراغ مبلمان شهری رفته است تا فضای شهر را برای سیگاری‌ها و غیر سیگاری‌ها به مکانی ایمن‌تر و خوش‌رایحه‌تر بدل کنند. در پاریس این مهم از ایستگاه‌های اتوبوس شروع شده و کنار هر ایستگاه اتوبوس (به‌عنوان یکی از مکان‌های مورد علاقه سیگاری‌ها) محوطه‌ای طراحی و ساخته شده که به آنها اجازه می‌دهد با ایستادن در آن دود سیگار خود را به وسیله هواکش‌ها به بالا

## دردسری به نام سیگار

خیلی از کسانی که سیگار یا قلیان می‌کشند، به غلط گمان می‌کنند که دخانیات تنها به‌خودشان آسیب می‌زند و کاری با بقیه ندارد. اما دود ناشی از سیگار با قلیان و زباله‌هایی که تولید می‌شود (مثل ته سیگار، زغال قلیان و...) می‌تواند هم به بقیه افراد و هم به محیط‌زیست آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند. در روزگاری که دسترسی به سیگار و دخانیات، به شکل‌های مختلف هر روز بیشتر می‌شود و از طرفی تبلیغات، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نقش پررنگی را نسبت به گذشته در زندگی مردم بازی می‌کنند، شاید نتوان تأثیراتی را که این شکل از تبلیغات بر ذهن و نحوه عمل افراد باقی می‌گذارد، از بین برد یا خنثی کرد اما می‌توان در راستای بهبود وضعیت جامعه، اقداماتی را انجام داد. یکی از این اقدامات، نامگذاری روز ۲۱ مه برابر با ۱۰ خرداد، به‌عنوان «روز جهانی بدون دخانیات» است. این روز، توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) و با هدف آگاه‌سازی مردم جهان نسبت به خطراتی نامگذاری شده که استعمال یا همراهی با استعمال کنندگان

فاطمه عباسی



## اجبار تست کووید مردگان



شن‌ژن: چینی‌ها که به سختگیری قوانین قرنطینه برای کنترل کرونا مشهورند حالا برای مردگان هم تست کووید-۱۹ را اجباری کرده‌اند. به گزارش سبک‌سخت‌تون، مقامات گورستان‌های شن‌ژن در چین بدون جواب تست بی‌سی‌آر از منفی چینی‌هایی که دیگر نفس نمی‌کشند و مرده‌اند جواز دفن برایشان صادر نمی‌کنند. این تست برای صاحب عزایی که قصد دارد در مراسم خاکسپاری متوفی شرکت کند هم ضروری است. از دست‌رفتنان و بستگان آنها باید ۴۸ ساعت پیش از مراسم خاکسپاری اطلاعات مرتبط با منفی بودن تست خود را به مسئولان این آرامگاه که در واقع معبد است، تحویل دهند. برخی کارهای اپلیکیشن ویپو در این بین بر این باورند که هیچ‌کس دلش نمی‌خواهد پس از مرگش هم در حالی که ماسکی بر دهانش هست تست بی‌سی‌آر بدهد. این مورد برای زنده‌ها هم تصور بدتری از مرگ به‌دستی می‌دهد که خوشایند نیست اما برخی دیگر نیز بر این باورند که هر مودی که موجب کنترل این همه‌گیری شود کار مثبتی است.

## قطع عاشقانه برق یک روستا



بیهار: هندوستان که با فرهنگ و صنعت فیلم‌سازی بالیوودش به تدریج عشق به تمام ششون زندگی مشهور است، ممکن است برق روستاهایش هم به علل عاشقانه مدام قطع شود؛ برای نمونه در روستای گانش پور پس از اینکه بارها برق کل روستا قطع می‌شد سرانجام مشخص شد برقکاری برای اینکه بتواند نامزدش را ببیند برق روستا را قطع می‌کرده است. به گزارش لایوهندوستان، ماجرا از این قرار بود که برقکار عاشق که پدر نامزدش اجازه دیدار با او را نمی‌داد هیچ‌چیز چاره‌ای جز قطع برق روستا نیافته بود و هر بار به بهانه وصل کردن برق به دیدار نامزدش می‌رفت. جالب اینکه اعضای شورای روستا پس از اطمینان از علت قطعی برق با پدر خانواده عروس صحبت کردند و نتوانستند اجازه برگزاری مراسم عروسی را از او بگیرند تا روستا با مشکل بی‌برقی مواجه نشود.

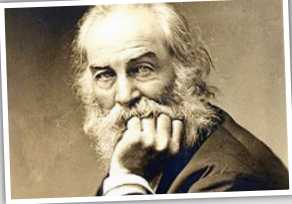
## ابداع چسب خوردنی ساندویچ



بالتیمور: گروهی از دانش‌جویان دانشکده مهندسی وایتینگ دانشگاه جان‌هاپکینز یک نوار چسب خوردنی ساخته‌اند تا «بوریته‌ها» burritos - نوعی ساندویچ مکزیک‌ای به‌عنوان ساندویچی که مدام محتویاتش می‌ریزد را هنگام خوردن بسته نگه دارد. نوار موسوم به «کریستند تیستی» (Christened Tasted) با استفاده از چسبی از گائیک ساخته شده است و مواد را داخل بوریته نگه می‌دارد و مانع ریختن مواد از داخل لقمه‌هایی مثل «تاکو» (tacos) یا «جایرو» (gyros) می‌شود. این گروه ادعا می‌کند که «تیستی تیب» (نوار چسب خوشمزه) پس از آزمایش اختراع روی «تعداد زیاد و شمارش‌ناپذیری از بوریته‌ها»، می‌تواند یک بوریته‌ی چاق و چله‌پر را کاملاً از بیرون ریختن مواد محافظت کند. با این حال، آنها از دادن اطلاعات دقیق در مورد مواد تشکیل‌دهنده «تیستی تیب» خودداری کردند، زیرا هم‌اکنون می‌تواند اختراع‌شان را ثبت کنند. نمونه اولیه این محصول شامل نوارهای مستطیلی است که طول آن نیم‌اینچ (حدود ۱.۲۵ سانتی‌متر) و پهنایش ۱/۲ اینچ (حدود ۵ سانتی‌متر) است و به ورقه‌های کاغذ مومی چسبیده است. برای استفاده از «تیستی تیب»، فرد باید نوار را از روی کاغذ مومی بکند، آن را با دقت خیس کند تا روی چسبی‌اش را فعال کند و آن را روی ماده خوراکی بچسباند.

## تقویم ازادروز

### نیمای آمریکا



مربوط به زندگی شهری و شهرنشینی در شعرهای بازتاب پیدا کرده‌اند. در شعرهای او توأمان هم که‌های واقع‌گرای و هم نشانه‌های ماوراءالطبیعی به چشم می‌خورد. کارهای او در زمان انتشارشان یک شوک غیرمنتظره به حساب می‌آمدند؛ جسرانه‌ترین و بحث‌برانگیزترین شعرهایی که تا آن زمان منتشر شده بودند. ویتمن بود که ویتمن چه شاعر بزرگی است، حسابی در نمایش‌هایی همچون «همه‌چیز درباره آقای ف»، «فتز»، «قپوه تلخ»، «شکلک»، «۱۷ دی کجا بودی؟» و... به ایفای نقش پرداخته و نویسندگی و کارگردانی نمایش «ادیب افغانی» را نیز در کارنامه هنری خود ثبت کرده است. او علاوه بر بازیگری، نویسندگی را هم تجربه کرده و برای نتاتر نمایشنامه نوشته است. مهرانفر به همراه امیرحسین قاسمی نویسندگی سریال سال‌های دور از خانه را بر عهده داشت که کارگردان این سریال مجید صالحی است. احمد مهرانفر و هادی کاظمی دوبازیگری هستند که در نقش صولت خنجرچی و امیریل زهره‌خان (شخصیت‌های فرعی سریال شاه‌گوش) بازی می‌کنند. سال‌های دور از خانه، اسپین‌آف یا روایتی مشتق از سریال شاه‌گوش است که خنجرچی و امیریل زهره‌خان شخصیت اصلی آن محسوب می‌شوند.

## ایستگاه

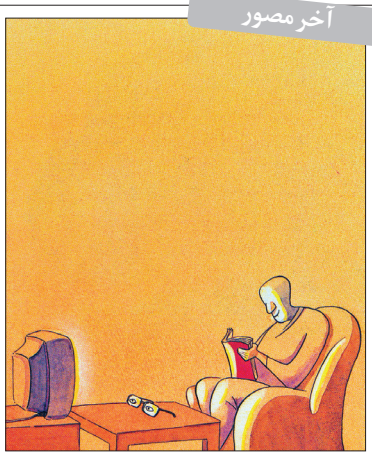
### شهر شلوغ من



اینجا تهران است؛ پایتختی که به شلوغی و ازدحامش معروف است و در تصور بسیاری از ما که در این کلانشهر زندگی می‌کنیم یا آنها که دورترند، این شهر همیشه بالای ۲۰ میلیون جمعیت داشته است! اما راستش را بخواهید اینطورها هم که ما فکر می‌کنیم نیست. در تازه‌ترین سرشماری انجام شده، جمعیت تهران ۹ میلیون و ۳۹۹ هزار نفر تخمین زده شده. البته همانطور که احتمالاً می‌دانید، خیلی از کسانی که در طول روز در خیابان‌های این شهر رفت‌وآمد دارند، در واقع ساکن تهران نیستند و فقط برای کار از شهرهای اطراف مانند کرج، پرد، پردیس و... به این شهر می‌آیند. به همین دلیل هم جمعیت روز پایتخت با جمعیت شب آن تفاوت دارد و شب‌ها تعداد آدم‌های

اینجا تهران است؛ پایتختی که به شلوغی و ازدحامش معروف است و در تصور بسیاری از ما که در این کلانشهر زندگی می‌کنیم یا آنها که دورترند، این شهر همیشه بالای ۲۰ میلیون جمعیت داشته است! اما راستش را بخواهید اینطورها هم که ما فکر می‌کنیم نیست. در تازه‌ترین سرشماری انجام شده، جمعیت تهران ۹ میلیون و ۳۹۹ هزار نفر تخمین زده شده. البته همانطور که احتمالاً می‌دانید، خیلی از کسانی که در طول روز در خیابان‌های این شهر رفت‌وآمد دارند، در واقع ساکن تهران نیستند و فقط برای کار از شهرهای اطراف مانند کرج، پرد، پردیس و... به این شهر می‌آیند. به همین دلیل هم جمعیت روز پایتخت با جمعیت شب آن تفاوت دارد و شب‌ها تعداد آدم‌های

## آخر مصور



نمایش: اثر: تاپونگ کانگ